

پارازیت های داخلی گوسفندا و بزها

(Internal Parasites of Sheep and Goats)



این بیماریها در
افغانستان وجود
دارند.



۱. تعریف

پارازیتیزم و به طور ویژه پارازیتیزم نماتود های معده و روده، که به مثابه ی تهدید جدی گوسفندداری و بزداری افغانستان را متأثر می نمایند، قابل بحث اند. از اثر کاهش محصولات، مصارف وقایه و تداوی و مرگ حیوانات مصاب خسارات اقتصادی به میان می آیند.

۲. عامل شناسی

گر چه تعداد زیادی از کرمها در گوسفند ها و بزها وجود دارند، اما برجسته ترین و بیماریزاترین شان نماتودهای (کرمهای) معده و روده اند. از جمله ی آنها هیمونکوس کونتورتوس [(*Barber pole = Haemonchus-contortus*) (کرم سیمی)] یک کرم حریص خونخوار است. این کرمها زیر شرایط گرم و مرطوب محیطی به طور وسیعی رشد می کنند.

تلودورساگیا (اوسترتاگیا) سیرکوم سینکتا [(*Teladorsagia(ostertagia) circumcincta*) (کرم نصولاری رنگ معده) از مواد مغذی موجود در مخاط، نه از خون، تغذیه میکند. این کرم در شرایط محیطی سرد و مرطوب به خوبی رشد می کند.

تریکوستر ونجیلوس کولوبریفورمیس [*Trichostrongylus colubriformis*] = (انواع تریکوستر ونجیلوس))، به نظر می رسد که زیر شرایط سرد تر و مرطوب رشد و نمو خوبی داشته باشد. این کرم از مواد مغذی موجود در مخاط تغذیه نموده و در وظایف هضمی مداخله می کند، که منتج به اسهال می شود. این کرم به خاطری ناتوان نامیده می شود که ندرتاً مرگ را سبب می شود، اما در اثر آن حیوانات ضعیف گردیده و این امر به کاهش محصولات و عاید منجر می شود.

نوع اوزوفاگوستوم (*Oesophagostomum spp*) = کرم نودولار) در روده های بزرگ زنده گی می نمایند، از خون تغذیه می کنند و رویهمرفته در تبارز کم خونی بی که توسط همونکوس کونترتوس به وجود می آید، کمک می کنند.

انواع تریکوریس (*Trichoris spp*) (کرم شلاقدار) اکثراً به تعداد کم موجود می باشند و همچنان از جمله ی خونخوار ها اند و در ضایعات عمومی خون ناشی از سایر کرم ها سهیم بوده می توانند.

مونیزیا (کرم پهن، کرم های مشابه به دانه ی برنج سفید) مواد مغذی را از غذای هضم شده جذب می کند و زیانهای کمی را سبب می شود. همچنان نموی بزغاله ها (نه سالمندان) تا اندازه بی کاهش یافته و به ندرت بندش روده ها به وجود می آید.

فاسیولاهپاتیکا (*Fasciola-hepatica*) (کرم جگر) برای ساحه های پست و همیشه مرطوب افغانستان یک پرابلم عمده بوده می تواند.

کرم های جگر در جگر زیست نموده و به آن صدمه می رسانند، که منتج به پژمرده گی، باختن وزن، کاهش در افزایش وزن و بعضی اوقات مرگ می گردد.

عفونت دیکتیوکاولوس فیلاریا (*Dictyocaulus filaria*)، مولریوس (*Muellerius*) و پروتوستر ونجیلوس (کرم های شش = *Protostrongylus*) اختلال تنفسی (سرفه های مزمن)، پژمرده گی و بعضی اوقات مرگ می شود.

انواع ایمیریا *Eimeria spp* (کوکسیدیا) بیماری بی را به وجود می آورند، که با آلوده گی، رطوبت و بعضی اوقات فشار های معافیتی مانند زایمان، جدا شدن از شیر یا هنگام حمل و نقل همراهی نشان می دهد. بیماری منتج به تخریب استر روده گردیده، که در اثر آن اسهال، پژمرده گی، باختن وزن، کاهش وزن گرفتن و گاهی مرگ می شود.

۳. سرایت

دوران حیات کرمها، یک بخش زنده گی آنها را که در داخل بدن حیوانات سپری می گردد و بخش دیگر آن را که در چرشگاه سپری می شود، در می گیرد. کرمها در بدن میزبان جفت گیری نموده و ماده ها تخم هایی را می گذارند، که توسط مدفوع دفع می شوند. تخم ها به چوپه تبدیل میشوند و به کرم های جوان (لاروا) عفونتزا انکشاف می کنند. سپس لاروای عفونتزا از مدفوع خارج گردیده و در علف های دور و پیش، جایی که هرگاه در جریان چرش به مصرف برسند، دوران حیات آنها تکمیل می گردد، پراکنده میشوند. بهار خطرناکترین وقت برای مبتلا شدن حیوانات با کرم ها است. در تابستان هنگامی که هوا گرم می شود، تخم ها و لاروای پارازیت ها شاید به خوبی در چرشگاه زیست نموده نه توانند. همچنان خطر جدی دیگر بیماری

ممکن در خزان یعنی وقتی که درجه ی حرارت به کم شدن آغاز می نماید و کرمهای جوان یکبار دیگر در چرشگاه ها تا فرارسیدن هوای سرد زمستان می توانند زیست کنند، رخ داده می تواند. تطبیق تدابیر کنترولی به خاطر دور ساختن کرم ها از حیوانات (عاری سازی از کرمها) و یا پایین آوردن چانس دوباره مصاب شدن حیوان با لاروای بیماریزا (انتظام)، میتواند سرایت پارازیت ها را کاهش دهد. شیوع واقعات کرم جگر در پایان بهار و آغاز تابستان متوقف می گردد.

۴. حیواناتی که مصاب می شوند

بره ها و بزغاله های جوان در مقابل تأثیر کرمها بسیار حساس اند، بنابراین بیشتر بیمار گردیده و تلف می شوند. گوسفند ها و بزهای بالغ نیز حساس اند.

۵. علائم کلینیکی

حیوانات مصاب به پارازیت ها علائم متعددی را، نظر به پارازیت های موجود، نشان میدهند. علائم عمومی مشتمل بر درشت شدن پوشش مویی، اسهال، پژمرده گی، افسرده گی، از دست رفتن وزن بدن، (یا کاهش وزن گرفتن)، تجمع مایع در الاشه و بی اشتهاپی (ناخوراکی) می باشند.

حیوانات مبتلا به همونکوس کونتورتوس (*Haemonchus contortus*) علائمی را نشان می دهند که با باختن خون (کم خونی) همراه می باشد و رنگ پریده گی غشاهای مخاطی (که در داخل پلک پایینی چشم بیشتر قابل دید است) و تجمع مایع در زیر الاشه پایین را در بر می گیرد. هرگاه سویه ی عفونت بالا باشد به همان اندازه مقدار زیاد خون

ضایع شده و سرانجام حیوان خواهد مرد. وقتی عفونت ناشی از تیلودورساگیا (اوسترتاگیا) سرکوم سنکتا، تریکوسترانجیلوس کولمبریفورمیس به سطحی برسد که بیماری دیده شده بتواند، در این صورت نخستین نشانه اسهال می باشد.

۶. دریافت های پتولوژیک

حیوانات مرده باید باز گردند و از لحاظ موجودیت کرم ها در روده ها، معده و جگر مورد تفتیش قرار گیرند. برخی از کرم ها، که در استر اعضای یاد شده چسبیده یا در حال خارج شدن اند، با چشم دیده شده می توانند.

۷. تشخیص

دریافت های تشخیص لابراتواری مشتمل بر کم خونی (PCV پایین)، افزایش شمار تخم در مدفوع (FEC) و از دست دادن پروتین پلازمایی می باشند. سویه ی کم خونی را می توان با مشاهده ی رنگ غشاهای مخاطی پلک پایین چشم به طور اجمالی ارزیابی کرد. در افریقای

جنوبی سیستم چارت رنگ چشم (FAMACHA) به منظور کمک به تولید کننده ها، کنترل کننده ها و ارزیابی سویه ی کمخونی بدون توصل به آزمایش های لابراتواری انکشاف داده شده است. طبق این روش غشای مخاطی پلک پایین چشم ارزیابی گردیده و با چارت رنگه یی که دارای تصویر چشم گوسفند در پنج سویه ی مختلف کم خونی است، مقایسه می گردد:

۱. (سرخ، بدون کم خونی)
۲. (سرخ - گلابی، بدون کم خونی)
۳. (گلابی - کم خون خفیف)
۴. (گلابی - سفید، کم خون)
۵. (سفید، کم خون شدید)

از آن جایی که کمخونی نخستین اثر پتولوژیک مصابیت با هیمونکوس کونتورتوس است، پس این روش یک وسیله ی مؤثر برای شناختن آن حیواناتی است که به تداوی نیاز دارند (مگر تنها برای *H. contortus*).

۸. تداوی

دوای ضد کرم (انت هلمنت ها) با فورمولبندی های متفاوت و اشکال گوناگون برای تطبیق به وسیله ی نوشاندن، قرص ها، زرق یا مخلوط نمودن با خوراکه و آب به دسترس

قرار دارند. تقویم درمان در میان مناطق مختلف و انواع گوناگون پارازیت ها فرق میکند. مهم ترین جنبه ی استعمال دواهای ضد کرم این است که مؤثریت آنها حفظ شود. به این هدف زمانی نایل شده می توانیم که آنها را به کمترین مقدار ممکن آنهم تنها زمانی به کار ببریم که سویه ی عفونت ضرورت دخالت را ایجاب نماید. در رابطه به اینکه کدام دواهای ضد کرم در برابر یک جمعیت کرم مؤثر اند، باید با دقت برخورد صورت گیرد. این هدف زمانی میسر شده میتواند، که توسط آزمایش کاهش تخم ها در مدفوع (FEC reduction test) صورت گیرد و این عمل توسط اشخاص ماهر مسلکی مانند وترنر ها در لابراتوار پارازیتولوژی فاکولته وترنری و یا لابراتوار تشخیصی، که چنین خدمات را ارائه میدارند، انجام داده شود.

میش ها و بز های ماده باید برمبنای ضرورت استفاده از روش FAMACHA و شیوه ی نوشانیدن ماهرانه یا به اساس یک استراتژی کرم زدایی در شرایط مساعد به ویژه در بهار و خزان و در آستانه ی زایمان از کرم عاری گردند.

۹. وقایه و کنترل

مشکل بزرگی که در کنترل پارازیتیزم نماتودهای بز و گوسفند وجود دارد، از مقاومتی عبارت می شود که بسیاری از جمعیت های کرم (به ویژه همونکوس کونتورتوس) در برابر همه ی دوا های اساسی ضد کرم انکشاف می دهند. مقاومت اکثراً به خاطری انکشاف می نماید، که دواهای ضد کرم به نوبت های زیاد و مکرر و اکثر اوقات به مقدار کم از حد، استعمال می شوند.

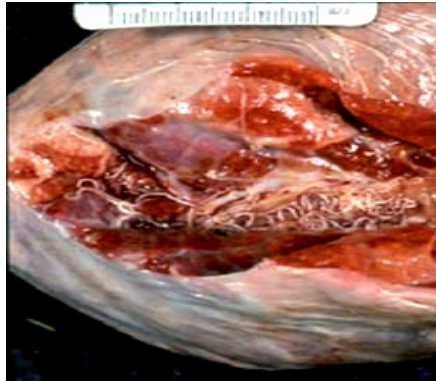
همیشه صرف با تطبیق دوا به کنترل و تداوی مؤثر کرمها نایل آمده نه می توانیم، تطبیق دواهای ضد کرم باید با روش های دیگری مانند چرش متناوب و دور نمودن میزبان ها يك جا گردد.



FAMACHA - چارت رنگ چشم که
برای تثبیت سویه ی کم خونی استعمال می
گردد



پنذیده گی الاشه - تجمع مایعات در زیر
چنه



کرم های بالغ شش در برونش های شش ها